

سرکوب وحشیانه ساکنین سن سالوادر آتکو، در مکزیک

گزارش از بهرام قدیمی

۱۴ مه ۲۰۰۶

در روزهای سوم و چهارم ماه مه، دولت مکزیک چهره واقعی خود را با سرکوب دست فروشان تکزکو (واقع در ایالت مکزیک حدود ۳۰ کیلومتری مکزیکو سیتی) و ساکنین روستاهای سن سالوادر آتکو به نمایش گذاشت. گروهی از زنان دست فروش توسط پلیس محلی و ایالتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در واکنش به آن، عده ای از اعضای «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» در همبستگی به محل کار دستفروشان می روند و جاده تکزکو به شهر مکزیک را مسدود می کنند. این بار پلیس با خشونت بیشتری به سرکوب معترضین می پردازد. به بهانه برقراری قانون، هزاران نفر پلیس به سن سالوادر آتکو حمله می برند.

رفتار نیروهای پلیس نشان می داد که هدف صرفاً این نیست که بر سن سالوادر آتکو مسلط شوند و آن را کاملاً کنترل کنند. آنها هرکس به دستشان می افتاد لت و پار می کردند. تا این لحظه ما از شش مورد تجاوز به دختران و زنان توسط پلیس اطمینان داریم. دو دختر اسپانیائی که همراه با تعداد دیگری از زنان دستگیر شده بودند همان روز از مکزیک اخراج شدند. آنها در مصاحبه ای که در اسپانیا داشتند شرح دادند که وقتی دستگیرشان کردند ابتدا در وانت های پلیس روی سرشان گونی کشیدند و بعد افراد با پائین کشیدن شلوارشان دست در آلت تناسلی شان می کردند. یک دختر دانشجوی شیلیائی را نیز پس از آن که مورد تجاوز قرار دادند، از مکزیک اخراج کردند. وی از طریق وزارت خارجه شیلی از پلیس مکزیک شکایت کرده است. شکنجه جنسی فقط در مورد این سه دختر و پنج زن دیگر اعمال نشده. از سرنوشت ایگناسیو دلبیبه، رهبر «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» کسی خبر ندارد. عکس هائی که از صحنه های مختلف دستگیری و حمل زندانیان به بیرون درز کرده، دست کمی از صحنه های ابوغریب ندارد. تنها با کوشش بسیار یکی از اعضای «جمعیت مبارزه با شکنجه و بی کیفی» موفق شد با یکی از زندانیان در بیمارستان دیدار کند. وضع روحی و جسمی زندانیان بسیار وخیم تر از آن است که بتوان با کلمات آن را شرح داد.

فرمانده مارکوس، سخنگوی ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی در مصاحبه ای با تلویزیون سی ان ان (چهارشنبه ۱۰ مه ۲۰۰۶) اظهار داشت: «طبق اطلاعات رسیده به زاپاتیست ها، افراد پلیس با خود کاپوت آورده بودند تا وقتی به زنان تجاوز می کنند، اثری از خود به جای نگذارند که باعث شناسائی شان شود.» این امر نشان دهنده این است که تصمیم به اعمال خشونت و تجاوز به زنان از قبل اتخاذ شده بود.

یکی از زندانیان سیاسی معروف در مکزیک، خانم گلوریا آرناس آگیس در همبستگی با دستگیرشدگان آتکو دست به اعتصاب غذا زده است. اما او تنها نیست، بیش از صد نفر از دستگیر شدگان در حال حاضر در اعتصاب غذا بسر می برند. آینده زندانیان هنوز معلوم نیست. نمایندگان

دولت می گویند که نیروهای انتظامی "کمی زیاده روی کرده اند" و مردم شکنجه را افشا می کنند و می گویند شکنجه پاسخ دولت است به مبارزات و مقاومت مردمی.

همبستگی نیروهای چپ و سازمان های توده ای به سرعت خود را به نمایش گذاشت. تعداد زیادی از دانشجویان در مقابل در زندان چادر زده اند. و از سحرگاه دوشنبه ۳۰۰ نفر از نمایندگان چهارمین کنگره ملی بومیان و زنان بومی مساکوا نیز به جمع شان پیوسته اند.

خبرنگاران بنگاه های دروغپراکنی، بخصوص «تله آرتکا» علناً به عنوان نیروهای پلیس و خبر چین کار می کردند. تنفر مردم از آن ها به حق، شدت یافته است.

موضوع از چه قرار است؟

زمینه های تاریخی:

با انتخاب ویسنته فوکس به عنوان رئیس جمهور مکزیک، از اواخر سال ۲۰۰۱ وی نیاز به یک فرودگاه جدید در این ناحیه را به عنوان یکی از طرحهای اصلی دولت خود اعلام کرد. این فرودگاه که قرار بود در شهر تکزکوکو در حدود ۳۰ کیلومتری پایتخت مکزیک ساخته شود، می توانست شمالی ترین نقطه طرح عظیم پوئبلا به پاناما باشد که با آن کل آمریکای مرکزی، به عنوان بازار کار ارزان در اختیار سرمایه گذاران قرار می گرفت. طرح پوئبلا به پاناما و ایجاد مناطق آزاد صنعتی و تجاری در وسعت مورد نظر، کوچ اجباری صدها هزار نفر و از بین رفتن عملی کشاورزی در مکزیک را باعث می شد. طرح پانصد میلیون دلاری فرودگاه، که یکی از اولین برنامه های دولت فوکس در خدمت طرح پوئبلا - پاناما بود، با مقاومت ساکنین روستاهائی که بدین خاطر اراضی خود را از دست می دادند روبرو شد. بار اصلی مقاومت بر دوش دهقانان مشاع روستای سن سالوادر آتکو و «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» بود. مبارزه خستگی ناپذیر آنان امروزه در مکزیک دیگر به سمبلی بدل شده است.

ابتدا دولت اعلام کرد که در دو منطقه که در آن امکان ساختمان وجود دارد تحقیقات کافی انجام گرفته، در یکی از آنها که مناسب تر باشد، یعنی در «تکزکوکو» فرودگاه ساخته خواهد شد. شکست این پروژه در واقع اولین شکست این طرح عظیم نئولیبرالیستی در مکزیک است.

اولین اعتراضات را گروه های دانشگاهی دفاع از محیط زیست راه انداختند: «ساختمان یک فرودگاه در این منطقه باعث نابودی بقایای محیط طبیعی زیست خواهد شد». ولی بزودی قربانیان فرودگاه، یعنی بومیان منطقه سر برمی افرازند و با اولین راه پیمائی خود به شکلی سمبلیک، نشان می دهند که: «به هر قیمتی که باشد، حاضر نیستند از اراضی خود دست بردارند». فوکس دستور «سلب مالکیت» را امضاء می کند. بنا بر این قانوناً دهقانان منطقه هیچ حقی ندارند و باید اراضی خود را به قیمتی که دولت تعیین می کند، برای ساختمان فرودگاه واگذار کنند. روستائیان «سن سالوادر آتکو» مانند ده روستای دیگری که قربانی این طرح می شوند، جلسات محلی خود را تشکیل می دهند و این بار، ماچت (قمه، ابزار کار دهقانان در آمریکای مرکزی ست) در دست به شهر مکزیک راه پیمائی می کنند. فریاد «زایاتا زنده است، مبارزه ادامه دارد!» از آن روز دیگر به شعار همیشگی روستائیان آتکو بدل شد. تا بیست و یکم جولای دولت از طرفی کوشید تا با تبلیغات، زحمتکشانش آتکو را یک مشت عربده جوی چماق به دست معرفی کند و از طرف دیگر با تهدید و ارباب و وانمود کردن به مذاکره کوشید آن ها را ساکت کند. مردم سن سالوادر آتکو در ماه ژوئن دست به بستن جاده زدند. روز ۲۱ جولای چند صد نفر پلیس و نیروهای دیگر «انتظامی» کوشیدند تا با حمله به مردم، به اصطلاح خودشان نظم عمومی

را باز برقرار کنند. این حمله که طی آن از هر دو طرف تعداد زیادی زخمی شدند، به نوعی یاد آور درگیری های روز ۲۵ آوریل است که مردم پلیس را خلع سلاح کرده، اتومبیل هایشان را به آتش کشیدند، دولت شروع به تشدید تهدیدهایش و دستگیری عده ای و اعلام حکم جلب علیه عده ای دیگر کرد. بر اثر کتک های پلیس، یکی از ساکنین "سن سالوادر آتنکو" دو روز بعد در بیمارستان جان سپرد. پزشکی قانونی علت مرگ را بالا بودن قند اعلام کرد. ادعائی که تنها چند لحظه پس از اعلامش زیر سؤال رفت.

نمایندگان آتنکو در نشست با نمایندگان دولت اعلام کردند که حاضرند مذاکره کنند، اما زمین هایشان را نخواهند فروخت! نمایندگان دولت روز بعد سر قرار مذاکره نرفتند. چند روز بعد سفر پاپ به مکزیک انجام شد و در بعد از ظهر روز پنج شنبه اول اوت، پاپ ژان پل دوم این کشور را ترک کرد. چند ساعت بعد، سخنگوی دولت اعلام نمود که: «فوکس دستور مصادره زمین را برای ساختمان فرودگاه پس گرفت».

در آن روزها هیئت حاکمه مکزیک وحدت نداشت. دهقانان متشکل در «جبهه متحده روستاهای ضد فرودگاه» FUGCA به دادگاه عالی قانون اساسی رجوع کرده بودند و ادعا داشتند که دستور رئیس جمهور غیر قانونی ست. دولت تنها با خونریزی بسیار می توانست دهقانان سن سالوادر آتنکو را از سر راه بردارد. و دست آخر فوکس نتوانست بقیه احزاب را به اجرای خشونت آمیز طرح فرودگاه قانع کند.

در ژوئن سال ۲۰۰۵، ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی «ششمین بیانیه از جنگ لاکندونا» را منتشر ساخت. سازمان ها و گروه های مختلفی به این بیانیه پیوستند و دست آخر در اول ژانویه ۲۰۰۶، «کارزاری دیگر» آغاز شد. هدف از این کارزار بحث و گفتگو با نیروهای چپ و ضد سرمایه داری به منظور طرح یک برنامه مبارزاتی ملی است. در اولین حرکت کارزاری دیگر، معاون فرمانده شورشی مارکوس به عنوان «نماینده شماره صفر» به گوشه و کنار مکزیک می رود تا با شنیدن مطالبات و مبارزات کارگران، زحمتکشان، و بومیان، این تجربیات را به نقاط دیگر مکزیک منتقل کند.

از روز ۱۵ تا ۲۰ آوریل، کاروان کارزار در ایالت گررو بود. این ایالت منطقه اصلی فعالیت «ارتش انقلابی خلق شورشگر» ERPI است. با هر نشستی سخنان مارکوس با رادیکالیسم بیشتری همراه بود. برخی مطبوعات و آگاهان سیاسی از پیشرفت این نشست ها به عنوان نزدیکی زاپاتیست ها با ERPI سخن گفتند. پس از آن نوبت به ایالت مکزیک رسید. در این ایالت وظیفه سازماندهی، در کنار گروه های دیگر، بخصوص بر دوش «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» بود. تقریباً همه روزه وظیفه انتظامات بر عهده این تشکل و اعضای آن بود که با «ماچت» (یا قمه) در دست در نشست ها و میتینگ ها گرداگرد مارکوس بودند.

در روز ۲۵ آوریل ۲۰۰۶ در مقابل زندان «چیکونائوتلا» در «اکاته پک» میتینگ بزرگی در همبستگی با خانم گلوریا آرناس آگیس (کلنل آنورورا)، زندانی سیاسی و عضو ارتش انقلابی خلق شورشگر ERPI، برگزار می شود. این بار اعضای «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» فریاد «زنده باد گلوریا!» و «زنده بار ERPI!» سر می دهند. با آن که مارکوس و همراهانش در وارد شدن به زندان و ملاقات با کلنل آنورورا موفقیتی نداشتند، اما خود میتینگ مشت به هم فشرده ای بود که فریاد «زندانی سیاسی آزاد باید گردد!» از آن بگوش می رسید.

اول ماه مه ۲۰۰۶، کارزاری دیگر «اول ماه مه دیگری» را در مقابل سفارت آمریکا آغاز می کند. با سخنرانی آتشین فرمانده مارکوس و حمله شدیدش به سرمایه داران آمریکائی و دولت مکزیک، در کنار

اعلام همبستگی کارزاری دیگر با مبارزین آمریکای شمالی، از جمله مومیا ابوجمال، تظاهرات به سوی میدان اصلی شهر مکزیک، زوگو براه می افتد. مارکوس در میان حفاظی از فعالین سن سالوادر آتنکو، اعضای «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» با سد خبرنگارانی روبرو می شود که به اشکال مختلف پرووکاسیون می کنند تا درگیری بوجود بیاید. با این حال تظاهرات به آرامی حرکتش را ادامه می دهد. هر لحظه به تعداد شرکت کنندگان افزوده می شود. وقتی تظاهرات به زوگو می رسد، دیگر ده ها هزار نفرند که شعار می دهند: «زنده باد کارزاری دیگر!». گستره این تظاهرات از کارگران و سندیکاهای مستقل کارگری تا بومیان، جنبش توده ای شهرها و سازمان های توده ای شهری و دهقانی، دانشجویان و دانش آموزان، گروه های فمینیستی، همجنس گرایان و محرومین دیگر را در بر می گرفت.

درگیری از چه زمانی آغاز شد؟

چهارشنبه هفته گذشته، سوم ماه مه، دستفروشان که طبق قرار قبلی با دولت شهر تکزکو، برای فروش گل هایشان آمده بودند (قبل از آن، شهرداری تکزکو آن ها را از خیابان ها جمع می کرد، اما پس از نشست نمایندگان دستفروشان با شهرداری به آن ها گفتند که از روز سوم ماه مه می توانند باز به کارشان ادامه دهند)، مورد حمله پلیس قرار می گیرند. در همبستگی با این دستفروشان، اعضای «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» به محل درگیری می آیند. پلیس با شدت بیشتری حمله می کند. و دستفروشان به برخی خانه ای عقب نشینی کرده، در آن مخفی می شوند. بعد، اهالی «سن سالوادر آتنکو» در اعتراض به حمله پلیس جاده تکزکو به شهر مکزیک را می بندند. در همان شب، پلیس از طرفی به خانه ایی که دستفروشان و حامیان آن پناه گرفته بودند حمله می برند و از طرف دیگر به باریکادی که جاده را مسدود می کرد.

در این درگیری چندین نفر زخمی شده، یک پسر بچه ۱۴ ساله با گلوله پلیس به قتل می رسد. چند پلیس به دست ساکنین آتنکو اسیر می شوند.

شب، گروه های زیادی به یاری ساکنین آتنکو می روند.

صبح روز بعد، چهارم ماه مه، بیش از دوهزار پلیس، و ارتشی به شیوه وحشیانه ای به «سن سالوادر آتنکو» هجوم می برند. درهای منازل را از جا می کنند، خانه های مردم و اثاثه و محتویات آنها را داغان می کنند، و تعداد زیادی از اعضای «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» را دستگیر می نمایند.

در همان روز در میتینگی در میدان «سه فرهنگ» (همان جا که در سال ۱۹۶۸ بیش از ۴۰۰ نفر در حمله نیروهای امنیتی به قتل رسیدند و یا مفقود الاثر شدند)، معاون فرمانده شورشی مارکوس به همه نیروهای ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی دستور می دهد که به حالت آماده باش کامل در آیند. «حزون» های زاپاتیستی، بخشداری های خود مختار و دیگر مناطق زاپاتیستی به روی افراد غیر خودی بسته می شوند. نیروهای غیر نظامی زاپاتیست همبستگی خود را با «جبهه مردمی برای دفاع از زمین» و همه زندانیان آتنکو اعلام می کنند. مارکوس می گوید زاپاتیست ها به هر تصمیمی که مبارزین آتنکو بگیرند می پیوندند. و در عین حال خود وی برای پی گیری وضع زندانیان، تا مدت نامحدودی در شهر مکزیک خواهد ماند.

در روز ششم ماه مه ۲۰۰۶ ارتش انقلابی خلق شورشگر ERPI در یک اطلاعیه کوتاه به نیروهای نظامی و هواداران خود دستور آماده باش می دهد. این نیرو نیز مانند ارتش زاپاتیستی خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی ست.

روز ۱۰ ماه مه با فشار افکار عمومی، ۱۴۵ نفر از زندانیان با قید وثیقه آزاد می شوند. بقیه زندانیان همچنان در اعتصاب غذا بوده و از داشتن پزشک مورد اعتماد خود محرومند.

دلایل حمله به سن سالوادر آتنکو:

نظر به شیوه حمله و یکدست بودن هر سه حزب بزرگ در سرکوب زحمتکشان منطقه (همکاری شهردار تکسکوکو از حزب انقلاب دمکراتیک PRD، فرماندار ایالت مکزیک از حزب انقلاب اداری شده PRI و دولت فدرال از حزب عمل ملی PAN که نشان دهنده همدستی احزاب حاکم ست) یکی از احتمالات زیر یا مجموعه ای از آنها را پیش روی ما می گذارد:

- انتقام گرفتن از ساکنین آتنکو، بخصوص از جبهه مردمی برای دفاع از زمین به خاطر جلوگیری از ساختمان ۵۰۰ میلیون دلاری فرودگاه.

- پاک سازی تکسکوکو از دست فروشان و آماده کردن آن برای ساختمان یک فروشگاه زنجیره ای «وال مارت»

- جلوگیری از رشد کارزاری دیگر از جمله از طریق تحریک گروه های مختلف به دست زدن به آکسیون های زودرس

- ایجاد رعب و وحشت در میان مردم با هدف جلوگیری از پیوستن آن ها به جنبش های توده ای، بخصوص به کارزاری دیگر و از این طریق، پیشگیری از شکل گیری یک بدیل مستقل از احزاب رسمی.

سخن آخر:

جنبش چپ در مکزیک باز در بوته آزمایش قرار گرفته است. با هو شیاری نیروهای چپ، شاید این سرکوب خود به ابزاری در جهت رشد و سازماندهی نیرومندتر جنبش درآید. همبستگی ما با زندانیان سیاسی و «کارزاری دیگر» در مکزیک می تواند به دولت مکزیک فشار بیاورد و از سوی دیگر به این زندانیان روحیه ببخشد. شاید این همبستگی بتواند سنگریزه ای باشد در بنای عظیم این جنبش....

برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

به فارسی:

<http://www.peykarandesh.org/ezlIndex.html>

به انگلیسی:

[/http://www.narconews.com](http://www.narconews.com)

به اسپانیایی:

[/http://zegtainternacional.ezln.org.mx](http://zegtainternacional.ezln.org.mx)

نامه های همبستگی خود را، به هر زبانی که باشد، به آدرس زیر ارسال دارید:

intergalactico@ezln.org.mx

www.peykarandesh.org

انتشارات اندیشه و پیکار